

فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌روی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران پس از خروج نیروهای آمریکا از افغانستان

محسن شفیعی سیف آبادی^۱

چکیده

هدف اصلی مقاله حاضر بررسی فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌روی قدرت نرم ایران بعد از خروج نیروهای آمریکا از افغانستان، بر مبنای ماتریس SWOT است. در همین راستا نیز سوالی که مطرح می‌شود این است که «قدرت نرم منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران پس از خروج نیروهای آمریکا از افغانستان و حاکمیت مجدد دولت طالبان در این کشور، با چه فرصت‌ها و چالش‌هایی روبرو شده است؟» نتایج حاصل از تحقیق که با رویکرد روشی SWOT و کاربست این مدل در تحولات اخیر افغانستان حاصل شده است، نشان می‌دهد که مواردی چون ۱- نفوذ اقتصادی ایران در افغانستان؛ ۲- امکان‌یابی تقویت همکاری‌های سه جانبه ایران، چین و روسیه و کاهش نفوذ آمریکا؛ ۴- ابزار فشار و قدرت بازدارندگی لشکر فاطمیون؛ و ۴- نارضایتی عمومی از عملکرد بایدن در افغانستان و وضعیت جدید رسانه‌ای ایجاد شده به نفع ایران، فرصت‌های لازم جهت اعمال قدرت نرم ایران و ایفای نقش برتر در منطقه را فراهم کرده است. در این میان اما چالش‌هایی نیز همچون ۱- قوم‌گرایی طالبان؛ ۲- امکان نفوذ اندیشه‌هایی همچون داعش و دولت اسلامی ولایت خراسان در طالبان؛ ۳- امکان رویکرد قهرآمیز طالبان نسبت به شیعیان؛ و ۴- نفوذ دولت‌های پاکستان، قطر و ترکیه در متن تحولات افغانستان، از جمله مواردی است که نفوذ قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را با مشکل رو برو خواهد کرد. **کلیدواژگان:** قدرت نرم، ایران، افغانستان، مدل SWOT، آمریکا

۱. استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، یزد، اردکان، ایران (نویسنده مسئول)
shafiee@ardakan.ac.ir

مقدمه

خروج آمریکا از افغانستان و بازگشت حاکمیت طالبان بر این کشور پیامدهای قابل توجهی برای منطقه و سیاست بین الملل خواهد داشت. برای جمهوری اسلامی ایران، هم خروج نیروهای آمریکا از افغانستان هم پیروزی طالبان در این کشور اهمیت دارد. این مساله موید این ادعای رسانه‌های ایران و حامیان آن در ورای مرزهای این کشور است که استراتژی نظامی آمریکا در جهان اسلام محکوم به شکست است. ایران در سیاست‌های رسانه‌ای خود با محوریت قدرت نرم، سعی کرده است این معنا و ایستار ذهنی قاعده‌مند را برای شرکا و متحدان خود تقویت کند که تنها بازیگر قابل اعتماد در خاورمیانه است؛ در مقابل واشنگتن هم غیرقابل اعتماد و هم فاقد برنامه‌ای مشخص است. با این حال، این دستاوردهای فوری ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی می‌تواند تحت الشعاع چالش‌های احتمالی قرار گیرد که افغانستان تحت سلطه طالبان ممکن است در دراز مدت برای امنیت و منافع منطقه‌ای ایران ایجاد کند. با این حال، افغانستان همواره یکی از همسایه‌هایی است که ایران می‌تواند تأثیر زیادی بر آن بگذارد. بر مبنای اشتراکات زبانی، فرهنگی و تاریخی بسیار در هم آمیخته ایران و افغانستان، و قدرت رسانه‌ای و فرهنگی ایران نسبت به افغانستان، کمتر کشوری این ظرفیت را دارد که جای خالی قدرت فرهنگی، اجتماعی و نفوذ سیاسی ایران در افغانستان را پر کند. بیشتر کتاب‌های درسی افغانستان به زبان فارسی است. بسیاری از منابع علمی مورد استفاده دانشجویان افغان، دارای منابع ایرانی هستند که در ایران منتشر شده است. شیعیان جمعیت به نسبت زیادی از افغانستان را شامل می‌شوند و پس از پشتون‌ها، اکثریت مردم آنجا تاجیک هستند. علاوه بر این، نفوذ سیاسی و اقتصادی بالایی از طرف ایران در جغرافیا و ابعاد اقتصادی-اجتماعی افغانستان وجود دارد که با خروج آمریکا از افغانستان امکان تحقق بیشتری به خود گرفته و در عین حال با قدرت‌یابی طالبان با تردیدهایی نیز روبرو شده است. از همین رو سوالی که در اینجا مطرح می‌شود عبارت است از اینکه: «قدرت نرم منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران پس از خروج نیروهای آمریکا از افغانستان و حاکمیت مجدد دولت طالبان در این کشور، با چه فرصت‌ها و چالش‌هایی روبرو است؟»

۱. پیشینه تحقیق

تحولات سیاسی-اجتماعی خاورمیانه به جهت سرعت زیاد در کشورهای مختلف آن، همواره

بستری مناسب برای انجام پژوهش‌های حوزه علوم سیاسی بوده‌اند. در این میان تحولات افغانستان پس از خروج نیروهای آمریکا و ناتو و ورود مجدد طالبان در متن سیاسی آن، توجه بسیاری از پژوهشگران و تحلیل‌گران را به خود جلب نموده است که البته به جهت تازگی موضوع، صرفاً در خبرگزاری‌ها و شبکه‌های اجتماعی نشر داده می‌شوند. با این‌جود برخی از پژوهش‌های قابل‌عرضه که با مقاله حاضر ارتباط بیشتری دارند عبارتند از:

۱- جان پرور، صالح آبادی و نادری چنار (۱۳۹۷)، در تحقیقی با عنوان «تبیین جایگاه قدرت نرم در افزایش نفوذ سیاسی ایران در افغانستان»، به بررسی نقش نفوذ سیاسی و همکاری‌های علمی بین‌المللی، با توجه به تجربه دانشگاه فردوسی مشهد با دانشگاه‌های افغانستان پرداخته‌اند.

۲- باقری و جمعه زاده (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مقایسه‌ای رویکرد ایران و روسیه به تحولات افغانستان» معتقدند ایران به دلیل قرابت‌های فرهنگی و جغرافیایی با کشور افغانستان و پیامدهای مختلف سیاسی و امنیتی ناشی از حضور نیروهای ناتو و آمریکا در این کشور، با روسیه اشتراکات متعددی دارد. از همین رو، تجارت مواد مخدر و بخصوص تریاک و وجود آشوب‌های قومی و سیاسی، همیشه اثرات سویی بر هر دو کشور گذاشته است.

۳- هشیاری پور (۱۳۸۲)، در نوشتاری کوتاه با عنوان «مذهب و سیاست در دوران طالبان و دوره جدید» به بررسی مقایسه‌ای حکومت پیشین طالبان و دولت جمهوری پس از آن می‌پردازد و تأیید می‌کند که مردم افغانستان تجربه تلخی از حکومتی را دارند که ادعای پیاده‌سازی اصول اسلامی را داشت. لذا منافع ایران اسلامی ایجاب می‌کند ضمن کوشش برای گسترش فرهنگ اسلامی در زندگی اجتماعی مردم، از تأکید بر ایجاد دولت مذهبی صرف در افغانستان خودداری ورزد.

۴- طیبه‌واعظی (۱۳۹۷)، در تحقیقی با عنوان «جمهوری اسلامی ایران و مذاکرات صلح طالبان»، نوع دیپلماسی ایران با طالبان، نقطه‌شروع آن و چگونگی آنها را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۵- سید سردار حسینی (۱۳۷۹)، در پژوهشی با عنوان «طالبان؛ تهدیدی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، معتقد است که ظهور طالبان به عنوان یک شبه نظامی به شدت نژادگرا (پشتون‌گرا)، ظرفیت زیادی را در ایجاد مشکلات امنیتی-نظامی جدی برای

ایران در خود جمع کرده است.

۶- حق شناس و یوسفی (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای با عنوان «فرصت‌ها و تهدیدهای روند ملت سازی در افغانستان برای ایران»، معتقدند محیط استراتژیک ایران به گونه‌ای است که کشور افغانستان یکی از حلقه‌های مهم این محیط را شکل می‌دهد. حضور ناتو و بویژه آمریکا در مرزهای شرقی ایران، حساسیت مرزهای ایران و افغانستان را بیش از پیش افزایش داده و فرصت‌ها و تهدیدهایی را برای امنیت جمهوری اسلامی ایران به همراه داشته است.

همانطور که بررسی پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد، سرعت تحولات جدید در خاورمیانه و افغانستان و وسعت موضوعات تحقیقاتی به گونه‌ای است که پژوهش حاضر را از حیث بداعت موضوع با سایر آثار علمی در این زمینه متمایز می‌کند. علاوه بر این، تحقیق پیش رو، در زمینه‌هایی چون ۱- مدل SWOT بکار رفته در آن؛ ۲- پردازش فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی قدرت نرم ایران؛ و ۳- توجه به تحولات پس از خروج آمریکا در افغانستان با سایر پژوهش‌های مرتبط متفاوت است.

۲. روش تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ روشی، بر مبنای تجزیه و تحلیل SWOT سامان یافته است. جمع آوری اطلاعات و داده‌ها مورد نیاز در این تحقیق به شیوه اسنادی (کتابخانه‌ای و فیش برداری)، استفاده از آثار، پژوهش‌ها و مقالات موجود در اینترنت و خبرگزاری‌ها و گزارشات علمی معتبر است. این پژوهش از حیث هدف، کاربردی است، زیرا با نتایجی که از طریق آن بدست می‌آید می‌توان از آن برای افزایش نفوذ قدرت نرم و پررنگ کردن همکاری‌های سیاسی-اجتماعی در راستای بهبود روابط سیاسی با افغانستان بهره برد.

۱-۲. تجزیه و تحلیل SWOT

برخی از نویسندگان ماتریس یا تجزیه و تحلیل SWOT را به آلبرت همفری^۱ نسبت می‌دهند

1. Albert Humphrey

(Blake, Wijetilaka, 2015: 4) تجزیه و تحلیل SWOT (یا ماتریس SWOT) یک تکنیک برنامه‌ریزی استراتژیک است که برای کمک به شخص، دولت یا سازمان در شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای مربوط به رقابت تجاری، سیاسی یا برنامه‌ریزی پروژه‌ای استفاده می‌شود. به عبارتی، این تکنیک برای استفاده در مراحل اولیه فرایندهای تصمیم‌گیری طراحی شده است و می‌تواند به عنوان ابزاری برای ارزیابی موقعیت استراتژیک سازمان‌های مختلف، از قبیل شرکت‌های انتفاعی، دولت‌های محلی و ملی و سازمان‌های غیردولتی مورد استفاده قرار گیرد. (Caves, 2004: 653) بنابراین، هدف آن تعیین اهداف یک پروژه تجاری، اقتصادی و یا اجتماعی و شناسایی عوامل داخلی و خارجی است که برای دستیابی به این اهداف، مطلوب یا نامطلوب محسوب می‌شوند. کاربران تجزیه و تحلیل SWOT اغلب سوالات خود را می‌پرسند و به آنها پاسخ می‌دهند تا اطلاعات مفیدی را برای هر دسته تولید کننده بدست آورند. (Dess, 2018: 73)

براساس این تکنیک فرض بر این است که نقاط قوت و ضعف اغلب داخلی هستند، در حالی که فرصت‌ها و تهدیدها بیشتر خارجی هستند (Humphrey, 2005: 32). این نام مخفف چهار پارامتر است که عبارتند از:

۱- نقاط قوت: ویژگی‌های یک کسب و کار یا پروژه یا یک رویکرد اجتماعی که نقطه قوت و برتر آن نسبت به دیگران قلمداد می‌شود؛ ۲- نقاط ضعف: ویژگی‌هایی که باعث می‌شود کسب و کار یا پروژه‌ای نسبت به سایرین ضعیف‌تر به حساب آید؛ ۳- فرصت‌ها: عناصری در محیط هستند که می‌توان از آن به نفع خود استفاده نمود؛ ۴- تهدیدها: عناصری در محیط هستند که می‌توان برای کسب و کار یا پروژه، مشکل ایجاد کنند. (Blake, Wijetilaka, 2015: 4) میزان مطابقت محیط داخلی شرکت با محیط خارجی، با مفهوم تناسب استراتژیک بیان می‌شود.

در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز شناسایی SWOT ها مهم است زیرا آنها می‌توانند کنشگران سیاسی را برای تصمیم‌گیری و اقدام در مراحل بعدی جهت برنامه‌ریزی برای دستیابی به هدف مورد نظر آماده کنند. در همین راستا، ابتدا، تصمیم‌گیرندگان باید بررسی کنند که آیا با توجه به SWOT ها، هدف قابل دستیابی است یا خیر. اگر هدف قابل دستیابی نیست، آنها باید هدف متفاوتی را انتخاب کرده و روند را تکرار کنند. (Osita, Onyebuchi, Justina, 2014: 25-32)

کاربست چنین ابزاری برای شنجش قدرت نرم ایران در افغانستان از این رو اهمیت دارد که بدانیم، در واقع منابع قدرت نرم ایران در این کشور بسیار متنوع و متکثر است. برای ارزیابی آنها باید متذکر شد که باتوجه به شرایط کشور استفاده کننده از منابع و نیز مخاطبانی که این نوع از قدرت بر آنها اعمال می‌شود؛ می‌توان نقاط قوت و ضعف آنها را مشخص نمود. (12: 2005, Nay) در این میان اما آنچه در زمینه قدرت نرم ایران با افغانستان مطرح است این است که نقاط قوت ایران در وضعیت ثبات سیاسی بیشتر از نقاط ضعف آنها است. البته در این میان نقطه ضعف‌هایی نیز دیده می‌شوند که به نسبت نقاط قوت کم رنگ‌تر هستند. مجموعه این موارد در شاکله جدولی به شرح زیر آمده است.

جدول شماره (۱). نقاط قوت و ضعف پیش‌روی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

نقاط ضعف	نقاط قوت
۱- تغییر نگاه دولت‌های در ایران نسبت به بکارگیری قدرت نرم در کشورهای همسایه	۱- پیوندها و همگرایی‌های زبانی، قومی، فرهنگی، مذهبی میان ایران و افغانستان.
۲- بی‌ثباتی افغانستان	۲- اهمیت ایدئولوژی در هر دو کشور
۳- عدم تمایل رسانه‌های ایران در تمرکز بر جامعه افغانستان.	۳- موقعیت ژئوپلیتی و دارا بودن مرزهای مشترک زمینی.
۴- فقر سواد و آموزش دانشگاهی در اجتماع افغانستان؛	۴- مناسبات اجتماعی همگون و مبادلات فرهنگی بالا.
۵- عدم وجود برنامه‌های راهبردی بلند مدت در زمینه نفوذ فرهنگی- اجتماعی	۵- قرابت زبانی و ادبیات یکسان در برخی از مناطق مهم افغانستان با ایران.
۶- در اقلیت بودن شیعیان و هزاره‌ها	۶- وجود دانشگاه‌های معتبر و مؤسسات آموزشی در ایران جهت تعامل با کشور هدف.
۷- گرایش تاجیک‌های افغان به ایدئولوژی غرب کشور.	۷- اهمیت و جایگاه فرهنگی اسلام در هر دو کشور.

با این وجود آنچه در پژوهش حاضر بیش از پیش اهمیت دارد، تمرکز بر تبیین و تحلیل فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌روی قدرت نرم ایران در افغانستان است که بر مبنای تاکتیک SWOT و استفاده از نظر متخصصین حوزه خاورمیانه، بدست آمده است. جامعه آماری، نخبگان، پژوهشگران و اساتید رشته علوم سیاسی با تخصص در حوزه خاورمیانه به تعداد ده نفر بودند.

شیوه جمع‌آوری نظرات آنها به این گونه بود که از طریق مصاحبه مهمترین فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌روی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، تا آنجا از آنها پرسیده می‌شد که موارد مطرح شده از سوی این افراد جنبه تکرار به خود بگیرد. در نهایت مجموعه موارد بیان شده در قالب جدولی به شرح زیر آمده است.

جدول شماره (۲). فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌روی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

فرصت‌ها	چالش‌ها
۱- لشکر فاطمیون؛ به مثابه نیرویی بازدارندگی و ابزار فشار	۱- رویکرد ضد شیعی طالبان
۲- نارضایتی عمومی از عملکرد آمریکا در افغانستان و فرصت‌سازی رسانه‌ای به نفع ایران	۲- قوم‌گرایی طالبان
۳- تقویت همکاری‌های سه جانبه ایران، روسیه و چین و کاهش فشارهای آمریکا	۳- نفوذ پاکستان، قطر و ترکیه در تحولات سیاسی افغانستان
۴- نفوذ اقتصادی ایران در افغانستان	۴- امکان استقبال طالبان از داعش

چارچوب نظری؛ قدرت نرم

قدرت در روابط بین‌الملل به طور سنتی با اصطلاحات «سخت» و قابل اندازه‌گیری تعریف و ارزیابی می‌شود که اغلب در زمینه قدرت نظامی و اقتصادی کاربست می‌یابند. علاوه بر این، این قدرت در قالب شیوه‌های اجباری خاصی به کار گرفته می‌شود که مهمترین آنها عبارتند از: استفاده از زور، تهدید به زور و تحریم‌های اقتصادی. بر خلاف ماهیت اجباری قدرت سخت، قدرت نرم استفاده از جذابیت و ترغیب مثبت را برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی مد نظر دارد. به عبارتی، قدرت نرم از بکارگیری ابزارهای سنتی سیاست خارجی یا اصطلاحاً سیاست هویج و چماق خودداری می‌کند و در عوض با ایجاد شبکه‌ها، انتقال روایات قانع‌کننده، ایجاد قوانین بین‌المللی و استفاده از منابعی که طبیعتاً یک کشور را برای جهان جذاب می‌کند، به دنبال دستیابی به نفوذ است. (Nye, 2011: 80-88)

در سال ۲۰۱۲ جوزف نای اهمیت قدرت نرم را در برخی از تقابل‌های بین‌المللی بهترین روش رویارویی دانست. او معتقد است هنگامی که کشوری، کشورهای دیگر را به آنچه می‌خواهد سوق می‌دهد بدون آنکه به ابزارهای سخت افزارانه متوسل شود قدرت نرم را اعمال

نموده است. وی این نوع نگاه را در سال ۲۰۰۴ در کتاب خود با عنوان «قدرت نرم: وسایل موفقیت در سیاست جهانی» توسعه داد. جوزف نای، به عنوان مبتکر این مفهوم، سه محور اصلی قدرت نرم را شامل مواردی چون ارزش‌های سیاسی، فرهنگ و سیاست خارجی می‌داند؛ اما در این سه دسته، منابع جداگانه قدرت نرم متعدد و متنوع هستند. در شرایط امروز روابط بین‌الملل، قدرت نرم یکی از پایه‌های مهم سیاست دموکراتیک جدید است. در این نوع از قدرت، توانایی ایجاد اولویت‌ها، با دارایی‌های نامشهود مانند شخصیت جذاب، فرهنگ، ارزش‌ها و نهادهای سیاسی و سیاست‌هایی که مشروع یا دارای اقتدار اخلاقی تلقی می‌شوند، مرتبط است. اگر یک رهبر سیاسی ارزش‌هایی را نشان دهد که دیگران علاقه‌مند شوند که از آن پیروی کنند، هزینه‌های رهبری و مدیریت سیاسی او کمتر خواهد بود. (Nye, 1990a: 35-45)

با این وجود، قدرت نرم صرفاً همان نفوذ نیست. به هر حال، نفوذ می‌تواند بر قدرت سخت و تهدیدهای فیزیکی نیز متکی باشد. وقتی به درک عمیق قدرت نرم می‌رسیم در واقع پی به چیزی فراتر از اقتناع یا توانایی متأثر کردن افراد با دیپلماسی می‌بریم. این نوع از قدرت توانایی جذب است و جاذبه اغلب منجر به رضایت می‌شود. به بیان ساده، در دیدگاه رفتاری، قدرت نرم قدرت جذابی است. منابع قدرت نرم دارایی‌هایی هستند که چنین جذابی را ایجاد می‌کنند. با این وجود، قدرت سخت و نرم به هم مرتبط هستند زیرا هر دو آنها، جنبه‌ای از توانایی دستیابی به هدف با تأثیرگذاری بر رفتار دیگران هستند. تفاوت بین آنها در ماهیت رفتار و در ملموس بودن منابع آن نهفته است. قدرت سخت یعنی توانایی تغییر آنچه دیگران انجام می‌دهند و بر اجبار یا تحریک متکی است. قدرت نرم نیز توانایی شکل دادن به خواسته‌های دیگران است و بر جذابیت فرهنگ و ارزش‌های فرد استوار است. (Nye, 1990b: 105-110)

برخی از شکاکان به ایده قدرت نرم اعتراض دارند زیرا آنها قدرت را نوعی از کنترل فعال تصور می‌کنند. از نظر آنها، تقلید یا جاذبه بر قدرت نمی‌افزاید. به باور آنها، برخی از جاذبه‌ها بر نتایج سیاست قدرت تأثیر چندانی ندارند و همیشه نتایج مطلوبی را ایجاد نمی‌کند. به عنوان مثال، ارتش‌ها اغلب تاکتیک‌های موفق مخالفان خود را تقلید می‌کنند و بنابراین آنها را بی اثر می‌کنند و دستیابی به نتایج مورد نظرشان را برای آنها دشوارتر می‌کند. اما جذابیت اغلب به شما این امکان را می‌دهد که به آنچه می‌خواهید برسید. شکاکانی که می‌خواهند قدرت را تنها به عنوان اقدامات عمدی فرمان و کنترل تعریف کنند، از چهره دوم یا «ساختاری» قدرت که عبارت

است از توانایی بدست آوردن نتایج مورد نظر بدون مجبور کردن افراد به تغییر رفتار خود از طریق تهدید یا ترغیب، چشم پوشی می‌کنند. با این وجود، همه قدرت‌ها بستگی به زمینه دارند؛ یعنی اینکه چه کسی تحت چه شرایطی به چه کسی فرمان می‌دهد. بخصوص قدرت نرم که بیش از قدرت سخت به وجود نیروهای مشتاق و فرصت‌های لازم و احتمالی وابسته است. (Nye, 2009: 22-44)

۴. فرصت‌های پیش روی ایران

ایران طی سالیان گذشته تلاش کرده تا با ذی‌نفعان اصلی افغانستان شامل گروه‌هایی که دارای پیوندهای قومی، فرهنگی و مذهبی با ایران می‌باشند، و حتی با طالبان رابطه برقرار کند. البته این مساله را نیز باید پذیرفت که ایران کماکان نتوانسته به همان میزان از نفوذ سیاسی در افغانستان دست یابد که در همسایگان غربی خود مانند لبنان، عراق و سوریه بدست آورده است. به عبارت دیگر نفوذ نرم ایران در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی افغانستان هیچ وقت به حد دلخواه خود نرسیده، اما امروزه خروج آمریکا از افغانستان تا حدود زیادی شرایط لازم برای اعمال قدرت نرم ایران را فراهم کرده است که در ادامه به تفصیل به آنها اشاره می‌شود.

۴-۱. لشکر فاطمیون؛ به مثابه نیرویی بازدارنده و ابزار فشار

امروزه ایران در برخی از کشورهای مهم منطقه خاورمیانه همچون سوریه (نیروهای دفاع ملی)، عراق (حشد الشعبی، یمن (حوثی‌ها) و افغانستان (فاطمیون) دارای حمایت نیروهای غیردولتی است. هسته لیویا یا لشکر فاطمیون را رزمندگان شیعه «سپاه محمد» تشکیل می‌دهند که در طول جنگ شوروی و افغانستان، جنگ علیه طالبان تا سقوط آن و همچنین در تیپ ابوزدر در جنگ هشت ساله ایران و عراق فعال بود. آنها یک گروه شبه نظامی شیعه تمام افغان هستند که داوطلبانه در جنگ ایران و عراق شرکت کردند. در طول جنگ ایران و عراق، این مجاهدان در مناطق کوهستانی لولان و نوچه در شمال غرب ایران مستقر بودند، زیرا در جنگ کوهستان و جنگ‌های نامنظم در طول جنگ با شوروی تجربه داشتند. لشکر آماده و صف شکن شیعه افغانستان با نام فاطمیون، به صورت رسمی در سال ۱۳۹۲ برای جنگ در سوریه در کنار دولت سوریه تشکیل شدند. بودجه آنها توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تأمین می‌شد و آموزش و تجهیز آنها نیز از طرف دولت ایران انجام می‌گرفت لذا تحت فرماندهی افسران ایرانی می‌جنگیدند. (Fadel, 2016: 12)

در اواخر سال ۲۰۱۷، تعداد واحدهای آن بین ۱۰ تا ۲۰۰۰۰ جنگنده فرض می‌شد. (Jamal, 2018: 3) آنها در ابتدا در تیپ ابوالفضل العباس عراق جنگیدند تا اینکه سرانجام در سال ۲۰۱۳ به یک تیپ متمایز تبدیل شدند. در جریان بحران سوریه هدف این گروه به طور رسمی دفاع از حرم حضرت زینب و مبارزه با «تروریست‌های تکفیری» در سوریه بود. آنها در چندین عملیات در سراسر سوریه از جمله در حلب و پالمیرا شرکت داشته‌اند. در سال ۲۰۱۷، این واحد در مقابله با حمله اصلی تکفیری‌ها در شمال استان حماه کمک کرد، این گروه بعداً در مبارزات شرق سوریه (سپتامبر تا دسامبر ۲۰۱۷) شرکت کرد و به شکستن محاصره داعش در دیرالزور مؤثر واقع شد. (Toumaj, 2017a: 10-16) در ۲۱ نوامبر ۲۰۱۷، سردار سلیمانی پیروزی بر داعش را اعلام کرد و متعاقباً دولت ایران اقدام به کیفی‌سازی و در عین حال سازماندهی لشکر فاطمیون نمود. در همین راستا، اولین نیروهایی که از این لشکر خارج شدند، جوانترین و مسن‌ترین و همچنین کسانی بودند که در امور نظامی توانمند تشخیص داده نشدند. (Toumaj, 2017b: 10-16)

از جمله ویژگی‌های مهم ایران گروه شیعی مجاهد و توانمند، امکان استفاده از آنها در نبردهای سخت و نرم به صورت موازی است. صرف نظر از اینکه در شرایط فعلی این گروه می‌تواند ابزار فشار و بازدارنده ایران در تقابل با رویکرد افراطی دولت طالبان در آینده باشند، تجربه نشان داده است که کارویژه و ظرفیت این گروه در زمینه‌های دیگر نیز اثبات شده است. به عنوان مثال در جریان همه‌گیری کووید-۱۹، لشکر فاطمیون شروع به تولید ماسک و دستکش در ایران و سوریه کرد و قصد داشت آنها را بین سوری‌های فقیر توزیع کند. این اقدام وجهه فاطمیون را تقویت کرده و به آن در جذب اعضای جدید کمک نموده است. بنابراین، آنها نمایندگان جامعه شیعه افغانستان هستند. در شرایط کنونی، ایران این توان را دارد تا در زمان مورد نیاز، برای تأمین امنیت و حفاظت از منافع ایران به اعزام این نیرو به افغانستان اقدام کند. (Sahraei, 2018: 2) امری که طالبان نیز به خوبی از آن آگاه است. این یک واقعیت است که سپاه قدس می‌تواند برترین اعضای لشکر فاطمیون را انتخاب کرده و از آنها برای عملیات تخصصی در افغانستان یا جاهای دیگر استفاده کند. این شیوه همانند روشی است که ایران در جنگ‌های منطقه‌ای اتخاذ می‌کند و به رابطه نیرومند فرماندهی و کنترل اشاره دارد. در حقیقت لشکر فاطمیون، نسبت به اکثر متحدان غیردولتی ایران، که نمونه‌های بارزی از استراتژی غیردولتی است، نماینده مناسب‌تری برای ایران در افغانستان کنونی است.

۴-۲. نارضایتی عمومی از عملکرد آمریکا در افغانستان و فرصت‌سازی رسانه‌ای به نفع ایران خروج آمریکا بعد از بیست سال صرف هزینه نظامی و بدون دست آورد لازم، دولت بایدن را با انتقادات بیشماری روبرو کرد. به گونه‌ای که پس از تسلط طالبان بر کابل در ۱۵ آگوست ۲۰۲۱، وزارت خارجه آمریکا از سوی جمهوری خواهان به دلیل ۱- عدم تلاش در بوجود آوردن سازگار مناسب جهت ثبات طولانی مدت در افغانستان؛ و ۲- عدم انجام اقدامات کافی و سریع برای خروج شهروندان آمریکایی و شهروندان افغانی در معرض خطر از کشور افغانستان، مورد انتقاد شدید قرار گرفته است. به گونه‌ای که مایک پمپئو، وزیر خارجه سابق ایالات به صراحت عنوان نمود که «دولت بایدن در افغانستان شکست خورده است» (Euronews, 2021: 2).

نظرسنجی‌ها نیز حکایت از آن دارند که که گرچه ۵۴ درصد از آمریکایی‌ها در مقابل ۴۲ درصد از آنها از خروج نیروهای آمریکا افغان حمایت می‌کنند، اما به دولت حاکم امتیاز کمی برای وضعیت موجود می‌دهند. (Pew research center, 2021a) به عنوان مثال بر مبنای اعلام مرکز تحقیقات پیو^۱، یک نظرسنجی که قبل از پایان خروج نظامیان آمریکایی انجام شد، نشان می‌دهد که ۶۹ درصد از مردم باور دارند که ایالات متحده در دستیابی به اهداف خود در افغانستان، شکست خورده است. عموم مردم همچنین از نحوه عملکرد دولت بایدن در افغانستان انتقاد می‌کنند؛ تنها حدود یک چهارم (۲۶ درصد) می‌گویند که دولت کار عالی یا خوبی انجام داده است. ۲۹ درصد عملکرد دولت را متوسط می‌دانند و ۴۲ درصد می‌گویند دولت کار ضعیفی انجام داده است. در میان کل جمعیت و شهروندان جمهوری خواه و دموکرات، تنها ۷ درصد از جمهوری خواهان و مستقلین متمایل به جمهوری خواهان، عملکرد دولت در افغانستان را مثبت ارزیابی می‌کنند و کمتر از نیمی از طرفداران دموکرات‌ها (۴۳ درصد) می‌گویند عملکرد دولت عالی یا خوب بوده است. (Pew research center, 2021a)

1. Pew research center

نمودار شماره (۱)، حمایت عمومی از خروج نیروهای افغان، و نمرات پایین بایدن در وضعیت بوجود آمده

Public backs Afghan troop pullout, gives Biden low marks for handling situation

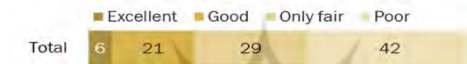
% who say the U.S. decision to withdraw troops from Afghanistan was the ...



% who say the U.S. mostly ___ in achieving its goals in Afghanistan



% who rate the job the Biden administration has done handling the situation in Afghanistan as ...



Note: No answer responses not shown.
Source: Survey of U.S. adults conducted Aug. 23-29, 2021.

PEW RESEARCH CENTER

این نظرسنجی در حالی انجام شد که ایالات متحده در تلاش برای تخلیه گسترده آمریکایی‌ها و متحدان افغانی ایالات متحده از افغانستان بود. به عبارتی این نظرسنجی قبل از انفجار انتحاری ۲۶ آگوست در فرودگاه بین‌المللی کابل که منجر به کشته شدن ۱۶۹ افغان و ۱۳ سرباز آمریکایی شد، صورت گرفت. بنابراین اگر پس از واقعه یاد شده نظرسنجی جدیدی انجام می‌گرفت، به مراتب انتقادات بیشتری به دولت بایدن مطرح می‌شد.

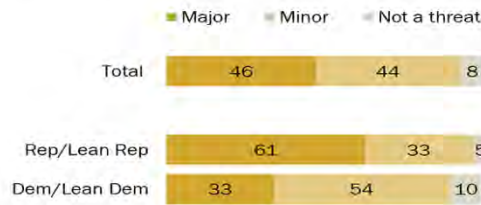
در یک نظر سنجی دیگر، آمار جالب‌تری بدست آمد. آمار این نظرسنجی حکایت‌گر این نکته است که با کنترل طالبان بر افغانستان، اکثر آمریکایی‌ها معتقدند که وضعیت بحرانی آن کشور تهدیدی امنیتی برای ایالات متحده است، به طوری که ۴۶ درصد از آنها می‌گویند کنترل طالبان بر افغانستان یک تهدید بزرگ و ۴۴ درصد دیگر می‌گویند که این یک تهدید جزئی است. جمهوری خواهان (۶۱ درصد) به مراتب بیشتر از دموکرات‌ها (۳۳ درصد) افغانستان تحت کنترل طالبان را به عنوان یک تهدید امنیتی بزرگ تلقی می‌کنند.

(Pew research center, 2021c)

نمودار شماره (۲)، نظر دموکرات‌ها و جمهوری خواهان در خصوص تهدیدزا بودن طالبان

Democrats less likely than Republicans to view Taliban control of Afghanistan as major security threat to U.S.

% who say Taliban control of Afghanistan is a ___ threat to the security of the United States



Note: No answer responses not shown.
Source: Survey of U.S. adults conducted Aug. 23-29, 2021

PEW RESEARCH CENTER

نظرسنجی‌های دیگر نیز نشان می‌دهد که اکثریت قریب به اتفاق (۷۱) درصد از آمریکایی‌ها به ترتیب معتقدند که دولت بایدن در مدیریت افغانستان عملکرد بد (۴۲) یا فقط متوسط (۲۹) داشته است. فقط ۲۶ درصد می‌گویند که دولت بایدن در مدیریت اوضاع در افغانستان بسیار عالی (۶ درصد) بوده یا کار خوبی (۲۰ درصد) انجام داده است. (Pew research center, 2021a)

در همین راستا دولت ایران با وقوف کامل از نارضایتی عمومی در آمریکا بر علیه دولت، در موقعیت رسانه‌ای بهتری برای حمله بر سیاست نظامی آمریکا در کشورهای خاورمیانه پیدا نموده است. به‌عنوان مثال در رسانه‌های خود اخباری را با این مضمون که آنچه در افغانستان اتفاق افتاد منجر به شکست بیشتر ایالات متحده در سراسر خاورمیانه خواهد شد؛ در سطح وسیع گسترش داده است. در سطح مسئولین کلان اجرایی نیز این موارد انعکاس یافت. چنانچه ابراهیم رئیسی به صراحت اعلام کرد که حضور آمریکا در منطقه باعث ناامنی می‌شود و خروج واشنگتن از افغانستان فرصتی برای «صلح و امنیت» خواهد بود. ژنرال محمدرضا نقدی، معاون فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، هشدار داد که «پایگاه‌های آمریکایی در خاورمیانه به زودی به سرنوشت مشابهی دچار خواهند شد» او از همه کشورها و گروه‌های منطقه‌ای درخواست نمود

تا راه خود را از آمریکا جدا کنند. (3: Fathollah-Nejad, Azizi, 2021)

صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران (دفتر صدا و سیما) از دفاتر خود در لبنان و سوریه -یعنی دو کشوری که «محور مقاومت» در منطقه است- خواست تا برای منعکس کردن خروج فوری و بدون دست آورد ناتو و آمریکا از افغانستان برنامه‌ها و مستندهای دقیقی ارائه دهند. با این ماهیت که واشنگتن ناامنی را برای منطقه به ارمغان می‌آورد و مقاومت تنها پاسخ موثر است. در همین راستا، تحلیل‌های برنامه‌های تلوزیونی، مصاحبه‌های علمی و تحلیل تحیلگران نیز نشان می‌دهد که رهبران حزب الله لبنان و حوثی‌های یمن سیاست رسمی ایران را تکرار می‌کنند و تأکید می‌کنند که آن دسته از نیروهای رقیب در کشورهای خاورمیانه که امیدشان به واشنگتن بود، سرنوشتی مشابه همتایان افغان خواهند داشت. همچنین، در این گزارش‌ها تأکید می‌شود که که «شکست تاریخی» ایالات متحده منادی پایان حضور و نفوذ ایالات متحده در غرب آسیا است. به همین ترتیب، خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از این موقعیت برای متقاعد کردن رقبای سیاسی داخلی و «گروه‌های طرفدار روابط با غرب» استفاده کرده و اعلام نمود که آنها باید قبول کنند که ایالات متحده که با ادعای «شکست ناپذیری» در تحلیل‌های سیاسی مورد اشاره قرار می‌گرفت، «فرار تحقیرآمیزی» از افغانستان داشت (Abdi, 2021: 3). در صورت عملی شدن وعده‌های طالبان و پذیرش هژمونی منطقه‌ای ایران، بی‌شک قدرت نرم ایران در زمینه رسانه‌ای برای شناسایی آنها در جهان و عرصه بین‌المللی کمک‌کننده خواهد بود. در مواقع لزوم همین رسانه‌ها-به همراه مقامات ارشد ایرانی در زمینه‌های امنیتی و سیاسی- این فرصت را خواهند داشت تا در قالب جنگ نرم، مقولاتی چون ۱- افول ایالات متحده؛ ۲- غیرقابل اعتماد بودن واشنگتن؛ ۳- تأکید همزمان بر جایگاه تهران به عنوان یک قدرت قابل اعتماد در خاورمیانه برای دولت و نهادهای غیر دولتی و متحدان منطقه‌ای را تبلیغ نمایند. (5: Nadimi, 2021)

علاوه بر این، از آنجا که نزدیک به یک‌سوم رسانه‌های افغانستان از حیث تولید محتوا از جمهوری اسلامی ایران حمایت می‌پذیرند یا تحت تأثیر آن قرار دارند؛ شرایط لازم برای نفوذ ایران بیش از پیش گسترش خواهد یافت. در شرایط فعلی، ایران به شدت به دنبال یک پایگاه قدرت در افغانستان است تا بتواند از آن برای تقابل با نفوذ فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آمریکا استفاده کند. البته این امر مسبوق به سابقه است و از طریق حمایت مادی و معنوی از رسانه‌ها

انجام می‌شود. این حمایت از سال ۲۰۰۶ در رسانه‌های افغان تقویت شد و از سال ۲۰۱۱ شتاب بیشتری گرفت و آن‌طور که موجب خلوت‌گر مدیر اجرایی گروه توسعه رسانه‌های افغان می‌گوید «از سال ۲۰۱۱ انتقال دیدگاه‌های جمهوری اسلامی به رسانه‌های افغان رشد یافته است.» (Kau-ra, 2020: 3) بخش عمده‌ای از این سرمایه‌گذاری‌ها مصروف رسانه‌ها و پروژه‌های مرتبط با جامعه مدنی و ایجاد مدارس مذهبی می‌شود. داوود مرادیان از مشاوران سابق وزارت امور خارجه افغانستان می‌گوید «ایران از افغانستان برای ارسال این پیام به آمریکا استفاده می‌کند که دریافتان با این کشور ممکن نیست.» (دویچه وله فارسی، ۲۰۱۲: ۲)

از منظر بسیاری از نیروهای مخالف رویکرد نظامی ایران، روزنامه «انصاف» و شبکه‌های تلویزیونی «تمدن» و «نور» از جمله رسانه‌هایی هستند که تحت حمایت ایران قرار دارند. البته در این میان هم مسئولین ایرانی و هم مقامات رسانه‌ای افغانی بخصوص شبکه تمدن، حمایت ایران را انکار کرده و آن را «توهین» خوانده است. در همین راستا نیز محمد رحمتی سردبیر شبکه تمدن، صراحتاً می‌گوید: «ما ارزش‌های اساسی اسلام را نشان می‌دهیم و نه زنان رقاص و برهنه را و به همین خاطر است که هدف چنین حملاتی قرار می‌گیریم.» (دویچه وله فارسی، ۲۰۱۲: ۲)

۳-۴. تقویت همکاری‌های سه جانبه ایران، روسیه و چین و کاهش فشارهای آمریکا ایران یکی از معدود کشورهایی است که هنوز سفارت آن در کابل باز است و این مساله تا حدودی نشان دهنده این است که طالبان فعلاً خواهان ارتباط عاری از دشمنی با ایران است. از طرفی نیز پیروزی طالبان در برابر آمریکا می‌تواند به عنوان سرمایه‌ای در دست تهران برای تضعیف فشارهای واشنگتن باشد. توضیح آنکه هر سه کشور چین، روسیه و ایران ظهور حکومت طالبان را فرصتی تازه برای همکاری بیشتر و افغانستان تحت حاکمیت طالبان را پلی ارتباطی و بدون مزاحم جهت استحکام این روابط قلمداد می‌کنند. در همین راستا نیز، چین از ظهور مجدد طالبان استقبال کرده است و قدرت نرم و سخت ایران این را فرصتی مهم برای تقویت روابط خود با ایران می‌داند. شرایط جدید از نگاه چین، قطعاً به «توافقتنامه راهبردی ۲۵ ساله» که دو طرف ایران و چین اخیراً امضا کرده‌اند، روح می‌بخشد. بر همین اساس نیز، رئیس‌جمهور در اولین تماس خود با شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین، اظهار داشت که «ایران آماده است تا

در برقراری امنیت، ثبات و صلح در افغانستان با چین همکاری کند.» (Raisi, 2021: 1) وقوع این تحولات بی‌شک قدرت نرم و هژمونی منطقه‌ای ایران را افزایش و نفوذ آمریکا را به شدت کاهش می‌دهد. دولت ایران نیز با درک درست از این مهم در حال حاضر رابطه با چین و روسیه را مهمتر از مذاکرات هسته‌ای می‌داند. زیرا در شرایط فعلی غرب و به ویژه ایالات متحده و حامیان آنها، از شکست در افغانستان شوکه شده‌اند و این بهترین فرصت برای هر سه طرف (ایران، روسیه و چین) است که از آن استفاده کنند.

البته ذکر این نکته نیز اهمیت دارد که از طریق پدیده مهاجران افغان نیز، ایران توان استفاده لازم جهت پیشبرد قدرت نرم خود را خواهد داشت. مطابق آمار موجود، ایران در حال حاضر محل زندگی حدود ۲/۵ میلیون افغان است و وضعیت اقتصادی خاص ایران در شرایط کنونی نشان دهنده آن است که نمی‌تواند موج جدیدی از مهاجران افغان را تحمل کند. با این وجود این توان را دارد که مهاجران و پناهنده‌های افغانستان را که می‌خواهند برای پایان دادن به سختی‌های خود به غرب مهاجرت کنند از مرزهای خود گذر دهد. بنابراین، غرب باید این واقعیت را بپذیرد که هماهنگی و همکاری با تهران برای جلوگیری از موج جدید پناهندگان به اروپا ضروری است. بدیهی است که ایران می‌تواند از این فرصت نیز به منظور تعدیل موضع اروپا در زمینه‌هایی مانند مذاکرات هسته‌ای استفاده کند. (Sayed, Sadat, Khan, 2001: 3)

۴-۴. نفوذ اقتصادی ایران در افغانستان

ایران یکی از بزرگترین شرکای تجاری افغانستان است و سالانه حدود ۲ میلیارد دلار تجارت دو جانبه با این کشور دارد که تقریباً یک سوم کل حجم تجارت افغانستان است. آنها دارای ۵۷۰ مایل مرز مشترک هستند که شامل چندین مسیر تجاری سودآور است. دسامبر ۲۰۲۱، این دو کشور اولین شبکه راه آهن مشترک خود را افتتاح کردند و شهر خواف ایران را با شهر روزانک افغانستان در ۱۵۰ کیلومتری دورتر متصل کردند. در شرایط کنونی، بازتولید قدرت طالبان، فراتر از دستاوردهای ژئوپلیتیک بالقوه، ممکن است فرصت‌های اقتصادی را برای ایران ایجاد کند. چرخش حاکمیت سیاسی در افغانستان بدون شک اگر در مسیر درست آن قرار گیرد استراتژی «اقتصاد مقاومتی» ایران را تقویت می‌کند. در همین زمینه محمد مهدی جوانمرد قصاب، مشاور و رایزن تجاری ایران در افغانستان، مدعی است «طالبان تعرفه‌های واردات را

به یک‌هشتم کاهش داده و تریخص کالا بوسیله تجار را بسیار آسان‌تر و سریع‌تر کرده است».

(Financialtribune, 2021: 1)

از طرفی نیز حمید حسینی، سخنگوی اتحادیه صادرکنندگان نفت، گاز و پتروشیمی ایران می‌گوید که والیان جدید استانی که از سوی طالبان تعیین شده‌اند، درخواست از سرگیری مجدد واردات محصولات نفتی از ایران را مطرح کرده‌اند. در همین راستا، دولت طالبان تعرفه‌های گمرکی برای واردات گازوئیل، بنزین و گازوئیل را تا ۷۰ درصد کاهش داده است. (Hosseini, 2021: 1)

ایران تامین کننده اصلی سوخت برای همسایه شرقی خود است. مقامات گمرک ایران مدعی هستند که تمام مرزهای این کشور با افغانستان بازگشایی شده است و کالا با خیال راحت در حال ترانزیت است. در همین راستا نیز، اداره گمرک جمهوری اسلامی ایران (ایریکا) ممنوعیت صادرات سوخت به افغانستان را که از ۶ آگوست برقرار بود، لغو کرد. بدین ترتیب، صادرات سوخت ایران به افغانستان از جمله از طریق مرز استان خراسان جنوبی از سر گرفته شده است. دولت ایران تا پیش از این، مشکل عمده‌ای که در افغانستان داشت، فساد و گرفتن هزینه زیاد از تجار بود. با توافقات صورت گرفته طالبان مدعی است که می‌تواند این اطمینان را ایجاد کند که مشتریان افغانستان، کالاها را با قیمت پایین‌تری دریافت می‌کنند. (farsnews, 2021: 2)

فهم این واقعیت که جمهوری اسلامی طی سه سال گذشته از تحریم‌های یک جانبه آمریکا بسیار آسیب دیده است و ایران به دنبال هر فرصتی برای دور زدن فشارهای آمریکا است، اهمیت نفوذ اقتصادی ایران در افغانستان را به عنوان یک فرصت دو چندان کرده است. زیرا افغانستان ممکن است حتی پتانسیل لازم برای صادرات کالاهای ایران را داشته باشد. در همین زمینه علاءالدین میرمحمد صادقی، نایب رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و افغانستان، ابراز امیدواری نموده است که اگر «وعده‌های مقامات طالبان» عملیاتی شود، تجارت دو جانبه به طور بالقوه می‌تواند به ۳ میلیارد دلار برسد. در این شرایط جمهوری اسلامی باید در منعطف شدن طالبان آنها را متقاعد و یاری کند و در ادامه به مردم خود اثبات کند که نهاد اصلاح شده کنونی در زمینه حکومت داری، متفاوت از آنچه جهان در دهه ۱۹۹۰ شاهد آن بود، خواهد بود.

۵. چالش‌های پیش‌روی

با وجود فرصت‌های واقعی و بالقوه‌ای که ابزارهای قدرت نرم ایران در افغانستان را بالا می‌برد،

تحکیم حکومت طالبان می‌تواند چالش‌های جدی را برای ایران به همراه داشته باشد که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

۵-۱. رویکرد ضد شیعی طالبان

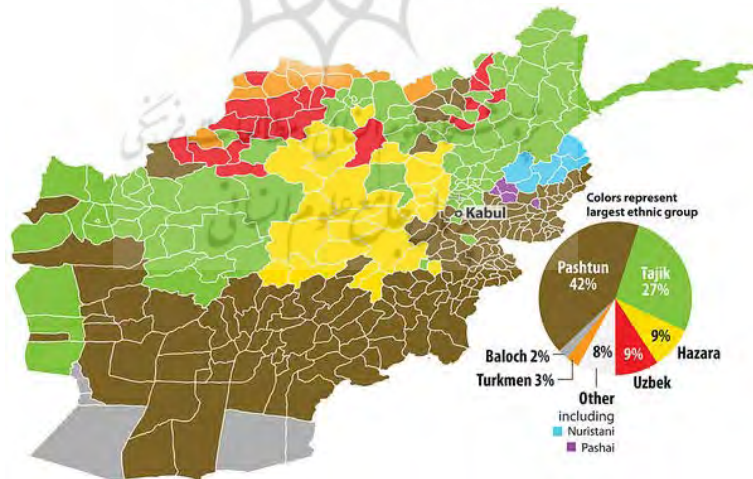
رویکرد طالبان به شیعیان محلی تأثیر قابل توجهی بر روابط تهران و کابل خواهد داشت. طالبان در دوران حکومت خود در دهه ۱۹۹۰، به ایدئولوژی قوی ضد شیعی مشهور بود. این مساله در آزار و شکنجه سیستماتیک، بخصوص شکنجه و کشتار اقلیت شیعه هزاره عملیاتی شده و انعکاس زیادی پیدا کرد. خصوصیت بین قوم پشتون افغانستان که بیش از ۴۰ درصد جمعیت افغانستان را تشکیل می‌دهد و هزارهای شیعه به قرن ۱۹ برمی‌گردد. یعنی زمانی که یکی از پادشاهان پشتون دستور قتل و بردگی هزاره‌ها را به خاطر شورش علیه حکومت خود صادر کرد. در طول رژیم قبلی طالبان از ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱، گروه‌های حقوق بشری سه کشتار گسترده علیه غیر نظامیان هزاره را ثبت کرده‌اند، از جمله در سال ۱۹۹۸ در مزار شریف که در آن دیده‌بان حقوق بشر مدعی است که طالبان صدها نفر را اعدام کردند. حملات خشونت آمیز علیه هزاره‌ها حتی پس از بیرون راندن طالبان از کابل ادامه داشت و مسافران هزاره در مسیر بامیان به کابل به دست طالبان اغلب از اتوبوس‌ها بیرون کشیده و کشته می‌شدند. هزاره‌ها همچنین اکثراً در مجموعه‌ای از حملات که بوسیله نیروهای اسلام‌گرای افراطی بوقوع می‌پیوست، هدف قرار می‌گرفتند. (Stancati, Amiri, 2021: 2)

با این وجود، طالبان در هفته‌های اخیر سعی کرده ایران را از این موضوع مطمئن کنند که رفتار گذشته خود را تکرار نخواهند کرد. از جمله اقدامات آنها در این زمینه اجازه دادن به شیعیان برای برگزاری مراسم عزاداری عاشورا در افغانستان است. همچنین سهیل شاهین سخنگوی طالبان صراحتاً مدعی شده است که این گروه «هیچ گونه تبعیضی علیه مردم شیعه ندارد. آنها افغان هستند. آنها می‌توانند در این کشور به صورت مسالمت آمیز زندگی کنند و می‌توانند به بازسازی، رفاه و توسعه کشور کمک کنند.» (Philipose, 2021: 2) با این حال، مشخص نیست که آیا طالبان پس از تحکیم حکومت خود به این کار ادامه خواهند داد یا خیر. «واقعیت این است که امروزه شیعیان از دولت طالبان می‌ترسند و نمی‌توانند به آنها اعتماد کنند. اگر مذهب شما مخالف وجود شیعه باشد، هنگامی که شما در قدرت هستید، به طور سیستماتیک علیه شیعیان

تبعیض قائل می‌شوید.» (Kazmin, Bozorgmehr, Bokhari, 2021: 1) با این وصف اگر طالبان کشتار شیعیان را آغاز کنند، منجر به جنگ داخلی می‌شود و ایران ضمن توسل به قدرت سخت افزاری، چاره‌ای جز مشارکت در درگیری‌های ناخواسته به صورت مستقیم یا غیر مستقیم نخواهد داشت.

۲-۵. قوم‌گرایی طالبان

رویکرد قوم‌گرایانه و انحصاری طالبان در برابر قدرت، چالش دیگری برای ایران است. مطابق ماده ۴ قانون اساسی افغانستان، «ملت افغانستان شامل پشتون، تاجیک، هزاره، ازبک، قبایل ترکمن، بلوچ، پاشایی، نورستانی، ایماق، عرب، قرقیز، قزلباش، گوجور، براهویی و سایر قبایل می‌باشد». (قانون اساسی افغانستان، ۱۳۵۷/۱۱/۲۲) با این حال هیچ گروه قومی، بیش از ۵۰ درصد از جمعیت افغانستان را تشکیل نمی‌دهد؛ اما با وجود اینکه این کشور همواره سرشماری مناسبی نداشته است، برخی از منابع معتبر جمعیت پشتون‌ها را ۴۲ درصد و به عنوان بزرگترین قوم دانسته و بعد از آن تاجیک‌ها را با ۲۷ درصد و هزاره‌ها را با ۹ درصد جمعیت افغانستان، در رتبه‌های دوم و سوم منظور کرده‌اند. این پراکندگی قومی، دست پشتون‌ها را جهت اعمال قدرت باز خواهد گذاشت.



نقشه شماره (۱)، پراکندگی قومی در افغانستان

منبع: Lokal_profil/creative commons

این درحالی است که طالبان پس از ورود مجدد خود به عنوان حاکمان افغانستان، قصد خود را برای ایجاد رژیمی که نماینده همه گروه‌های قومی در این کشور مسلمان باشد، اعلام کردند. همچنین آنها ادعا کردند که «امارت اسلامی بار دیگر به همه شهروندان خود اطمینان می‌دهد که مانند همیشه از زندگی آنها محافظت خواهد کرد». (DH Web Desk, 2021) با این حال، طالبان باید قبل از اطمینان از ایجاد یک جامعه متحد افغان در بین اقوام مختلف کشور، از چنین اظهاراتی به صورت عملی و با اقدامات مشخص دفاع کنند. اما تجربه‌ای که عموم افغانی‌ها از حکومت قبلی طالبان داشته‌اند حکایت‌گر آن است که باید به تضمین‌های آنها با شک و تردید نگاه کرد. زیرا به هر حال طالبان رویکرد قوم‌گرایانه خود را حفظ خواهد کرد. این مساله در فهرست وزرای کابینه طالبان که در ۷ سپتامبر اعلام شده بود، منعکس گردیده است. بر اساس این لیست، دولت بعدی افغانستان به طور کامل تحت سلطه پشتون‌ها است.

بنابراین، می‌توان استدلال نمود که قدرت‌گیری کنونی طالبان مانند حکومت اولیه آنها در دهه ۱۹۹۰ منجر به برجسته شدن خطوط گسل قومی خواهد شد. طالبان توسط روحانیون پشتون رهبری می‌شوند که هدف اصلی آنها تقویت قوم خود به عنوان بلوک اصلی قدرت در داخل افغانستان است. این رویکرد یک تهدید بالقوه برای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. زیرا طالبان به صورت منطقی فاقد هرگونه تجربه خردگرایانه در اداره یک کشور است. در مقابل مجهز به یک رژیم سختگیرانه است که بر اساس تفسیر سختگیرانه از قوانین اسلامی اداره می‌شود. در این صورت نفوذ نرم و فرهنگی ایران مسلماً با چالش‌های جدی روبرو می‌شود. علاوه بر این، این واقعیت که رهبری طالبان عمدتاً از روحانیون پشتون انتخاب می‌شوند، مسلماً باعث می‌شود تا اجرای کیفیت قوانین آنها در زمینه عدالت اجتماعی باعث ایجاد موانع جدید برای قدرت نرم ایران میان سایر اقوام شود.

۳-۵. نفوذ پاکستان، قطر و ترکیه در تحولات سیاسی افغانستان

چهره‌های نزدیک به پاکستان اکثریت کابینه دولت طالبان را در اختیار دارند. این کاملاً برخلاف تمایل ایران برای ایجاد یک دولت فراگیر است که در آن حداقل گروه‌های طالبان منعطف شده و نزدیک به ایران مسئولیت داشته باشند. پیش از این نیز، علی شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران (SNSC) در توییتر خود، ناراضی‌تبی تهران از ترکیب دولت طالبان را اعلام کرد. در

همین راستا، این امکان نیز وجود دارد که ایران نبرد نفوذ در افغانستان را به پاکستان واگذار کند. نفوذ بیش از حد پاکستان می‌تواند حتی منافع ایران را در برخی مناطق مهم تهدید کند، از جمله در بندر چابهار، که قرار بود هند را از طریق افغانستان به آسیای میانه وصل کند و رقیبی برای بندر گوادر پاکستان تلقی می‌شد. (Rehman, 2021)

قطر نیز بازیگری دیگر است که تمرکز بر نقش آن در حال حاضر ضروری است. این دولت سال‌ها میزبان دفتر سیاسی طالبان بوده و نقش اساسی را در تسهیل دیپلماسی ایالات متحده و طالبان ایفا کرده است. اگرچه بر خلاف بسیاری از دیگر پادشاهی‌های خلیج فارس، دوحه عموماً در سال‌های اخیر روابط مطلوبی با تهران داشته است، اما دو کشور در مورد طیف وسیعی از مسائل مهم منطقه‌ای، از جمله بحران سوریه چندان یک رای نیستند. به این ترتیب، نفوذ روزافزون قطر در افغانستان می‌تواند اهرمی برای کسب امتیاز از ایران در امور جهان عرب را فراهم کند. (Bateman, 2021: 3) متحد نزدیک قطر یعنی ترکیه نیز می‌تواند از این وضعیت به نفع خود استفاده کند. تمایل ترکیه برای ایفای نقش فعال‌تر در افغانستان، از جمله در تامین امنیت فرودگاه بین‌المللی کابل و همچنین همکاری اقتصادی با رژیم جدید، می‌تواند ایران را در موقعیت دشواری قرار دهد. افزایش حضور ترکیه در افغانستان، همراه با استقرار آنکارا در قفقاز جنوبی، می‌تواند شرایطی را ایجاد کند که طی آن ایران عملاً از نظر استراتژیک در محاصره رقیب منطقه‌ای خود قرار گیرد. (The Interpreter, 2021) بدیهی است با در نظر گرفتن این موانع عمده، عرصه برای قدرت نرم ایران با چالش جدی مواجه خواهد شد.

۴-۵. امکان استقبال طالبان از داعش

اگر طالبان در برقراری ثبات و امنیت در افغانستان یا در برنامه‌های فرامرزی خود از گروه‌های افراطی و تروریستی مانند داعش و القاعده استفاده نماید، نه تنها قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در افغانستان با چالش بزرگ روبرو می‌شود بلکه بار دیگر در مرز شرقی خود با تهدید جدی روبرو می‌شود. واقعیت آن است که هنوز مشخص نیست که آیا طالبان در واقع روابط خود را با شبکه تروریستی جهانی القاعده قطع کرده‌اند یا خیر. علاوه بر این، شاخه افغانی داعش،

معروف به دولت اسلامی ولایت خراسان^۱ (ISKP)، می‌تواند از بی‌ثباتی جاری استفاده کرده و به طور بالقوه تهدیدی جدی برای منطقه و بخصوص ایران باشد. بنابراین، ایران به عنوان همسایه نزدیک افغانستان، با موج جدید تروریسم احتمالی نوظهور از این کشور و در صورت عملی شدن این احتمال با شدیدترین چالش‌های امنیتی روبرو است. (Fathollah-Nejad, 2021: Azizi & با این وجود، طالبان بارها مسئولیت افزایش حملات خشونت‌آمیز در افغانستان در چند ماه گذشته را رد کرده است؛ هرچند مردم افغانستان تکذیب آنها را باور ندارند. شهروندان افغانی و دولت ایران به خوبی می‌داند که امروزه طالبان یک گروه واحد با رهبری متمرکز نیست که هم‌نوايي و همکاری با تروریست‌ها را به طور کامل رد کند؛ بلکه چندین جناح مختلف در داخل این سازمان وجود دارد، که احتمالاً درک متفاوتی از تقسیم قدرت داشته باشند. بنابراین، ممکن است در داخل طالبان تفکرات افراطی با تغذیه فکر از رقبای منطقه‌ای ایران، مخالف مذاکرات صلح و ارتباط عاری از دشمنی با ایران باشند. این مساله ضمن اینکه چالشی بزرگ برای قدرت نرم ایران به حساب می‌آید، این احتمال که ایران را به توسل به جنگ سخت مجاب کند را نیز بوجود خواهد آورد.

نتیجه‌گیری

پردازش تحولات کنونی افغانستان بر مبنای مدل SWot نشان دهنده آن است که تصمیم ناگهانی دولت بایدن برای تسریع در خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان مجموعه‌ای از مزایا و چالش‌های احتمالی قابل توجهی را برای جمهوری اسلامی به همراه داشته است. بر مبنای ماتریس SWot و مصاحبه با متخصصین حوزه قدرت نرم و مسائل منطقه‌ای، یکی از مهمترین این فرصت‌های بوجود آمده، توجه و تمرکز بر نیروهای نیابتی به عنوان یک عامل بازدارنده در دوران جغرافیای افغانستان است. به هر حال قدرت نظامی ایالات متحده توسط یک گروه شبه نظامی به چالش کشیده شده است. این امر ایران و نیروهای حامی آن را بیش از پیش متقاعد خواهد کرد که یکی از بهترین راه‌ها برای مهار و شکست آمریکا در خاورمیانه، توجه به عامل بازدارندگی نیروهایی است که همچون لشکر فاطمیون در زمان‌های ثبات منطقه‌ای، کارویژه‌های نرم افزارانه در جهت کمک به ممنوع

1. Islamic State – Khorasan Province

و کسب وجهه مشروعیت بخش به خود می‌گیرند. با خروج نیروهای آمریکا و ناتو و ناخشنودی مردم این کشور از نحوه خروج و دستاورد اندک دولت آنها در افغانستان، فرصت لازم برای تبیین شکست تحقیرآمیز آمریکا در افغانستان و کل منطقه خاورمیانه نیز برای ایران فراهم شده است. از طرفی نیز، دولت ایران امیدوار است از تسلط طالبان در زمینه‌های ژئوپلیتیک و اقتصادی سود ببرد. بنابراین، نفوذ اقتصادی یکی دیگر از فرصت‌هایی است که ایران با کمک آن قدرت نرم خود را افزایش خواهد داد. توضیح آنکه این امید وجود دارد که چشم انداز جدید ژئوپلیتیک در شرق ایران، وجود جمهوری اسلامی ایران را به عنوان قدرت لازم و ضروری در خاورمیانه به اثبات برساند و از این طریق این فرصت را برای ایران فراهم کند که روابط خود را با چین و روسیه تقویت نماید. به هر حال ایران از دیرباز بر جهت‌گیری سیاست خارجی «نگاه به شرق» تأکید کرده و خروج ایالات متحده از افغانستان می‌تواند فرصتی غیر منتظره در این زمینه باشد تا روابط آن با روس و چین را تقویت کند. با این وجود، عدم قطعیت‌های زیادی در مورد نحوه مدیریت و عملکرد واقعی طالبان وجود دارد و این امر مانع از اتکای کامل دولت به دستاوردهای ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیک می‌شود که در حال حاضر در افغانستان بوجود آمده است. البته تحولات افغانستان نیز نشان داد که ایالات متحده، دولت افغانستان و مخالفانی چون احمدشاه نتوانستند به تنهایی با طالبان برخورد کنند، زیرا هیچ‌یک از آنها از اهرم فشار کافی برخوردار نیستند. در عین حال، به نفع کل منطقه است که افغانستان به پناهگاه گروه‌های تروریستی مانند القاعده تبدیل نشود. راه حل منطقه‌ای ممکن است راه حلی باشد که مانع از سقوط افغانستان در هرج و مرج شود. در صورت میانجی‌گری بین طالبان و مخالفان این جنبش، ایران یک بازیگر اساسی در چنین پروژه‌ای خواهد بود و در صورت موفقیت برای آن یک پیروزی سیاسی و امنیتی مهم رقم خواهد خورد. با این وجود چالش‌هایی نیز پیش‌روی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران وجود دارد. حقیقت این است که دولت طالبان با وجود همه فرصت‌هایی که می‌تواند برای قدرت نرم ایران رقم بزند، توسط تمامی اقوام افغانستان انتخاب نشده است. واقعیات تحولات پیرامونی افغانستان حکایت‌گر آن است که قومیت‌گرایی افراطی، سابقه شیعه‌ستیزی و هزاره‌آزاری، امکان ورود نیروهای القاعده در جغرافیای افغانستان و نفوذ بالای پاکستان، قطر و ترکیه در تحولات فعلی افغانستان، از جمله مواردی است که در مسیر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران موانع بزرگی را بوجود خواهد آورد.

منابع

۱. باقری، اسماعیل و جمعه زاده، راحله (۱۳۹۲). «بررسی مقایسه‌ای رویکرد ایران و روسیه به تحولات افغانستان»، مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۵۴، صص ۱۱۳-۱۴۶.
۲. جان پرور، محسن؛ صالح آبادی، ریحانه و نادری چنار، ذکيه (۱۳۹۷). «تبیین جایگاه قدرت نرم در افزایش نفوذ سیاسی ایران در افغانستان»، پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، سال سوم، شماره چهارم، صص ۳۳-۶۱.
۳. حسینی، سید سردار (۱۳۷۹). «طالبان؛ تهدیدی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات راهبردی، شماره ۷ و ۸، صص ۲۴۳-۲۷۰.
۴. حق شناس، محمدجواد و یوسفی، عمران (۱۳۸۹). «فرصت‌ها و تهدیدهای روند ملت سازی در افغانستان برای ایران»، مطالعات روابط بین الملل، شماره ۱۳، صص ۹۶-۱۲۴.
۵. دویچه وله فارسی (۲۰۱۲). استفاده ایران از رسانه‌ها برای افزایش نفوذ در افغانستان، ۲۰۱۲/۰۵/۲۵، <https://www.dw.com/fa-ir>
۶. قانون اساسی افغانستان، ۱۳۵۷/۱۱/۲۲، ۱۳۳۴۱۸، <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/133418>.
۷. واعظی، طیبه (۱۳۹۷). «جمهوری اسلامی ایران و مذاکرات صلح طالبان»، دیده‌بان امنیت ملی، شماره ۸۳، صص ۱۳۵-۱۴۲.
۸. هشیاری پور (۱۳۸۲). «مذهب و سیاست در دوران طالبان و دوره جدید»، مجله چشم انداز ارتباطات فرهنگی، شماره ۲، صص ۷۴-۷۴.
9. Abdi, Marie, (2021), Can the IRGC-Taliban honeymoon continue? (Part 2), July 30, 2021, <https://www.mei.edu/publications/can-irgc-taliban-honeymoon-continue-part-2>.
10. Amir Toumaj (2017b), Qassem Soleimani allegedly spotted in Syria near the Iraqi border, Long War Journal, 14 June 2017, <https://www.longwarjournal.org/archives/2017/06/qassem-soleimani-spotted-in-syria-near-the-iraqi-border.php>
11. Bateman, Tom (2021), Afghanistan: Qatar and Turkey become Taliban's lifeline to the outside world, 2 September 2021, <https://www.bbc.com/news/world-middle-east-58394438>
12. Blake, Martin; Wijetilaka, Shehan (2015), 5 tips to grow your start-up

- using SWOT analysis". Sydney.
13. Caves, R. W. (2004), Encyclopedia of the City. Routledge.
 14. Dess, Gregory (2018), Strategic Management. United States: McGraw-Hill. p. 73.
 15. DH Web Desk (2021), Why the Hazaras are vulnerable under Taliban's regime Previously in 1995, 20 AUG 2021, <https://www.deccanherald.com/international/why-the-hazaras-are-vulnerable-under-talibans-regime-1021799.html>
 16. Euronews (2021), US responds to criticism of Afghanistan withdrawal Access to the comments, 16/08/2021, <https://www.euronews.com/2021/08/16/us-responds-to-criticism-of-afghanistan-withdrawal>
 17. Fadel, Leith (2016), Iranian special forces arrive in Palmyra to help liberate the city, 21 March 2016, Al-Masdar News, <https://www.almasdarnews.com/article/irgc-soldiers-arrive-palmyra-help-liberate-city/>
 18. farsnews (2021), Exports of Fuel from Iran to Afghanistan Resume, 24 August 2021, <https://www.farsnews.ir/en/news/14000602000769/Exprs-f-Fel-frm-Iran-Afghanisan-Resme>
 19. Fathollah-Nejad, Ali; Azizi, Hamidreza (2021), Iran and the Taliban after the US fiasco in Afghanistan, September 22, 2021, <https://www.mei.edu/publications/iran-and-taliban-after-us-fiasco-afghanistan>
 20. Financialtribune (2021), Taliban Offensive Closes Iran's Main Trade Gateway With Afghanistan, 7 August 2021, <https://financialtribune.com/articles/domestic-economy/109722/taliban-offensive-closes-irans-main-trade-gateway-with-afghanistan>
 21. Hosseini, Hamid (2021), Exports of Fuel from Iran to Afghanistan Resume, 24 August 2021, <https://www.farsnews.ir/en/news/14000602000769/Exprs-f-Fel-frm-Iran-Afghanisan-Resme>
 22. Humphrey, Albert (2005), SWOT Analysis for Management

- Consulting, 11 December 2005, <https://www.scribd.com/document/253960630/SWOT-Analysis>
23. Jamal, Ahmad Shuja (2018), Mission Accomplished? What's Next for Iran's Afghan Fighters in Syria, 13 February 2018, https://scholar.google.com/citations?view_op=view_citation&hl=en&user=gtRrQZMAAAAJ&citation_for_view=gtRrQZMAAAAJ:9yKSN-GC-B0IC.
24. Kaura, Vinay, (2020), Iran's influence in Afghanistan, June 23, 2020, <https://www.mei.edu/publications/irans-influence-afghanistan>
25. Kazmin, Amy; Bozorgmehr, Najmeh; Bokhari, Farhan(2021), Afghanistan's Shia are fearful in face of Taliban takeover, 26 August 2021, <https://www.ft.com/content/dedd8b47-e7fa-4afe-aa0f-d1833dc27418>
26. Kirişci, Kemal; Memisoglu, Fulya (2021), Biden's Decision to Pull Troops from Afghanistan Risks a Major Refugee Crisis. Just Security, April 26, 2021, <https://foreignpolicy.com/2021/07/14/biden-afghan-withdrawal-europe-refugee-crisis/>
27. Nadimi, Farzin (2021), Iran Is Poised to Exploit the Uncertainties of the Afghan Collapse, Aug 18, 2021, <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/iran-poised-exploit-uncertainties-afghan-collapse>
28. Nye, J. (2005). Soft power and higher education, America: harvard university.
29. Nye, Joseph (1990b), Bound to Lead: The Changing Nature of American Power, London: Basic Books.
30. Nye, Joseph S. (1990a), Bound to Lead: The Changing Nature of American Power, New York: Basic Books.
31. Nye, Joseph S. (2009), Soft Power: The Means To Success In World Politics, Hachette UK: PublicAffairs.
32. Nye, Joseph S. (2011), The Future of Power, New York: PublicAffairs.

33. Osita, Christian; Onyebuchi, Idoko; Justina, Nzekwe (2014), Organization's stability and productivity: the role of SWOT analysis, (PDF). 2 (9). International Journal of Innovative and Applied Research, pp.23-32.
34. Pew research crnter (2021a), AUGUST 31, 2021, Majority of U.S. public favors Afghanistan troop withdrawal; Biden criticized for his handling of situation, <https://www.pewresearch.org/fact-tank/2021/08/31/majority-of-u-s-public-favors-afghanistan-troop-withdrawal-biden-criticized-for-his-handling-of-situation/>
35. Pew research crnter (2021b), Public backs Afghan troop pull-out, gives Biden low marks for handling situation, AUGUST 31, 2021, https://www.pewresearch.org/fact-tank/2021/08/31/majority-of-u-s-public-favors-afghanistan-troop-withdrawal-biden-criticized-for-his-handling-of-situation/ft_2021-08-31_afghanistan_01a/
36. Pew research crnter (2021c), Democrats less likely than Republicans to view Taliban control of Afghanistan as major security threat to U.S., https://www.pewresearch.org/fact-tank/2021/08/31/majority-of-u-s-public-favors-afghanistan-troop-withdrawal-biden-criticized-for-his-handling-of-situation/ft_2021-08-31_afghanistan_02a/
37. Philipose, Rahel (2021), Hazara: A community historically oppressed in Afghanistans, August 24, 2021, <https://indianexpress.com/article/explained/explained-who-are-hazaras-of-afghanistan-taliban-7461859/>
38. Raisi, Ebrahim (2021), Iran says it's ready to work with Russia and China on Afghanistan 'peace', Aug 19, 2021, <https://www.thenationalnews.com/mena/iran/2021/08/18/iran-says-its-ready-to-work-with-russia-and-china-on-afghanistan-peace/>
39. Raisi, Ebrahim (2021), Iran won't allow IS presence on Afghan bor-

der: Raisi, 18 September 2021, <https://www.thehindu.com/news/international/iran-wont-allow-is-presence-on-afghan-border-raisi/article36542360.ece>

40. Rehman, Zia Ur (2021), Islamabad deeply alarmed by rise in Pakistan Taliban terrorism, September 28, 2021, <https://asia.nikkei.com/Politics/International-relations/Afghanistan-turmoil/Islamabad-deeply-alarmed-by-rise-in-Pakistan-Taliban-terrorism>
41. Sahraei, Fariba(2018), Syria war: The Afghans sent by Iran to fight for Assad, 15 April 2016, <https://www.bbc.com/news/world-middle-east-36035095>
42. Sayed, Nasrat; Sadat, Fahim; Khan, Hamayun (2021), Will the Taliban's takeover lead to a new refugee crisis from Afghanistan?, 2 Sep 2021, <https://reliefweb.int/report/afghanistan/will-taliban-s-takeover-lead-new-refugee-crisis-afghanistan?>
43. Stancati, Margherita; Amiri Ehsanullah (2021), Taliban Reach Out to Shiite Hazara Minority, Seeking Unity and Iran Ties, 2 Sept 2021, <https://www.wsj.com/articles/taliban-reach-out-to-shiite-hazara-minority-seeking-unity-and-iran-ties-11630599286>
44. The Interpreter (2021), Turbulence, the Taliban, and Turkey's role in Afghanistan's future, 6 Sep 2021, <https://www.lowyinstitute.org/the-interpreter/turbulence-taliban-and-turkey-s-role-afghanistan-s-future>
45. Toumaj, Amir (2017a), Qassem Soleimani reportedly spotted in Syria's Hama province Long War Journal. Archived from the original on 3 April 2017, <https://www.longwarjournal.org/archives/2017/04/qassem-soleimani-reportedly-spotted-in-syrias-hama-province.php>